

# جزئیات بدعهدی آمریکایی هادر توافق ۲ مرحله‌ای

صفحه ۱



با کدام نسخه موفق عصر حیرت، طرفدار سلطنت شدید؟!

## نصیری؛ نماد رادیکالیسم متوهم

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران  
صدای نخبگان، نگاه جوانان  
۱۶ صفحه  
۵۰۰۰ تومان

شماره مسلسل ۲۸۶۴  
مستفیده ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳  
۲۱ خرداد ۱۳۴۵  
۳۰ آوریل ۲۰۲۴  
شماره ۲۱۲۶

# خودروهای تولیدی کجا هستند؟

آمار نشان می دهد با وجود روند نسبتا مناسب تولید خودروسازان فروش رسمی را به شکل عجیبی متوقف کرده اند



صفحه ۱۶

برخی از ردیف‌های مهم اعتبارات پژوهشی در بخش دوم لایحه بودجه حذف شدند

## سهم پژوهش از بودجه ۱۴۰۳ در هاله ابهام!

۴

همزمانی تظاهرات دانشجویی در آمریکا با اعمال محدودیت برای اپلیکیشن چینی خبرساز شده است

## تیک تاک؛ صدای اعتراض

۲

چرا به جای طرح‌های سطحی، تقویت بیمه‌ها باید اولویت نظام سلامت باشد؟

## هم درمان ۷ ساله‌ها را آسان کنید هم ۷۰ ساله‌ها

۷

# شوآف با استقلال و پرسپولیس ممنوع!

شعار تابش «خلیج فارس ایران؛ استقلال/پرسپولیس قهرمان» بوده، حالا در این یک هفته‌ای که «هلدینگ خلیج فارس» و «کنسرسيوم بانکی» سهام قابل توجهی از تیم محبوبش را خریده‌اند، حضور پررنگ «اسم مدیران» و سایه‌ای که سابقه و [احتمالا] برنامه‌های بعدی‌شان بر سرنوشت این دو تیم انداخته را حس می‌کنند.

مثلا درباره مورد خاص اضافه شدن پسوندد «خلیج فارس» به نام «استقلال» که رسانه‌ها دیروز خبرش را به عنوان یک مژده از قول جناب علمی عسکری پوشش دادند، اگر قرار است طبق آنچه که جناب مدیرعامل اشاره کردند، به سوخته شدن باشگاه و اصلاح ساختارهای اقتصادی و جلوگیری از تکرار فجایعی مثل «پرونده سانتاکلازا و آپرویزری فیش جعلی» کمک کند، حرفی نیست و چه بهتر که این وعده‌های شنیدنی یکی پس از دیگری محقق شود. شاید بتوان گفت نگرانی بخشی از هواداران اتفاقا ریشه در همان «سابقه» ای دارد که بالاتر به آن اشاره شد. قصد نداریم در اینجا از روزه «عبدالعلی علی عسکری» و «سیدمحمد مهدی احمدی» که این روزها بیشتر از دیگر مدیران مجموعه‌های سهامدار استقلال و پرسپولیس جلوی دوربین می‌روند و مصاحبه می‌کنند و وعده می‌دهند، بنویسیم. قرار هم نیست تحلیل کنیم که سابقه هریک از این دو مدیر چه ارتباطی به پست مدیریتی فعلی‌شان دارد. به دنبال این هم نیستیم که برویم درباره روابط فامیلی این و نسبت خانوادگی آن تحقیق کنیم که کدام‌شان داماد چه کسی است و برادر دیگری‌شان با دختر کدام وزیر دولت قبلی وصلت کرده که درحال حاضر متاسفانه با خوشبختانه نه ما دغدغه‌اش را داریم و نه با وجود حساسیت سرنوشت این دو باشگاه، اولویت هواداران این موضوعات است.

حفظ وحدت رویه، سیاست حاکمیت شرکتی و همچنین «روز مبارک خلیج فارس»، براساس تصمیم مالکان جدید «تیم محبوب استقلال»، به تیم «استقلال خلیج فارس» تغییر می‌یابد. طبق این خبر علمی عسکری این اقدام را «گامی مهم» برای «اصلاح ساختارهای اقتصادی»، «سوخته کردن این باشگاه»، «حرکت استقلال خلیج فارس در تراز جهانی» و «ان شاء الله کسب توفیقات در شأن این تیم در عرصه‌های بین‌المللی» عنوان کرده است.

ابتدا پیش از مطرح کردن هر نکته‌ای نسبت به این جملات جناب علمی عسکری بگوییم، «چه کسی بدش می‌آید؟» چه کسی بدش می‌آید تیمی که میلیون‌ها طرفدار دارد سوخته شده باشد؟ یا آنکه دقیقا نمی‌دانیم «حرکت در تراز جهانی» از نظر جناب مدیر به چه معناست، ولی چه کسی بدش می‌آید این اتفاق رخ دهد؟ جوان ایرانی که بعد از یک روز سخت کاری تا نیمه شب بیدار می‌ماند که نتیجه بازی دو تیم لیگ جزیره یا لالیگا را پیگیری کند و بعد از آنکه اثرش بر امید قهرمانی تیم محبوب خود در همان لیگ را محاسبه کرد، بخوابد که بدش نمی‌آید کیفیت تیم محبوبش در داخل کشور هم به قول جناب مدیر «در شأن آن تیم» شود؟ اینها را گفتیم که خیال خودمان و جنابان مدیری که این روزها به واسطه سهام ۸۵ درصدی از آسمان رسیده دو تیم محبوب پایتخت، دائم در صدر اخبار هستند را راحت کنیم که هیچ‌کس از اینکه استقلال و پرسپولیس به معنای واقعی کلمه حرفه‌ای شوند و جواز حضور در لیگ نخبگان آسیا را کسب کنند، ناراضی نیست. جوان ایرانی عاشق «ارتش آبی یا سرخ آسیا» که اگر روزی با رویای حضور در نیوکمپ و سانتیاگو برنابئو به خواب می‌رفت و حالا حسرت و وضعیت چمن ورزشگاه خانگی فلان تیم عربی را می‌خورد و کیفیت پخش تلویزیونی لیگ کشورهای حاشیه همین خلیج فارس خودمان برایش به یک آرزوی دست نیافتنی تبدیل شده، شاید این روزها درباره بهانه دلخوشی ایرانی خود-استقلال یا پرسپولیس- یک نگرانی بزرگ داشته باشد. نگرانی بزرگی که تجربه نشان داده به اینکه ریشه‌اش در خارج از ورزشگاه و اراده بازیکنان و کادر فنی است اما سایه‌اش چنان سنگین است که نه بازیکنان، نه کادر فنی و نه هواداران پرشمار می‌توانند به وعده‌های آنچنانی دلخوش بوده‌اند، نمی‌توانند خود را به ندیدن و نشنیدن بزنند. مسأله‌ای که بیشتر هم مشابهش را در نحوه مدیریت استقلال و پرسپولیس دیده‌ایم. مدیریتی که «استفاده» از سرمایه اجتماعی این دو تیم برای مطرح شدن مدیر یا مدیران را نه تنها بدون اشکال نمی‌دانست، بلکه بعدا در هر بزنگاهی، از نقش آفرینی خود در پروژه‌های بی‌سرنجام مرتبط با یکی از دو باشگاه به عنوان سند افتخار یاد می‌کرد.

این موارد را مرور کردیم که بگوییم چرا باید نگرانی هواداران استقلال و پرسپولیس را بعد از اخبار دیروز به رسمیت شناخت. هواداری که در بازی‌های بزرگ با رقیبان آسیایی

آفتور که در این سال‌ها دیده‌ایم، معمولا در هر کدام از مناسبت‌های تقویمی کشور، علاوه بر بازار کارگاه‌های چاپ بنر و کسب و کارهای مرتبط با تبلیغات محیطی، بازار یک دسته دیگر از خادمان این مرز و بوم هم حساسی داغ است؛ مدیران! قضایات که به قول معروف فقط کار خداست و ما هم نمی‌خواهیم بگوییم که کدام دسته سختی بیشتری را تحمل می‌کنند ولی از جمله تفاوت‌های اساسی این دو گروه زحمتکش، آنکه به طور مثال اگر جنس نگرانی اهالی صنف چاپ بنر، حول وحوش کیفیت بنر و وضعیت مخزن و پمپ جوهر دستگاه می‌چرخد، دغدغه مدیران در همان روزی که بنرها قرار است در سرتاسر مجموعه تحت امرشان نصب شود، بیشتر در این فضا است که چطور می‌شود در سخنرانی و نشست خبری احتمالی، بین مأموریت مجموعه و آن مناسبت تقویمی خاص ارتباط برقرار کرد! حالا در این میان اگر اسم مناسبت تقویمی مورد اشاره داشته باشد که دیگر اصطلاحا کمر کار شکسته است و فقط می‌ماند نحوه استخدام کلمات و شیوه جمله‌سازی در متن سخنرانی! البته غیر از این ممکن است یک زحمت دیگر هم بماند که آن بستگی به سطح دغدغه جناب مدیر مربوطه دارد؛ اینکه رسانه‌ها متن سخنرانی را با چه تیتراژ، لید و عکسی پوشش خواهند داد!

دیروز، ۱۰ اردیبهشت، «روز ملی خلیج فارس» بود و طبیعتا باتوجه به مقدس‌ای که بالاتر به عرض رسید، می‌شد پیش‌بینی کرد مجموعه‌هایی که اثر و نشانی از این نماد ملی ایران دارند، نشست خبری برگزار کرده یا موضع‌گیری داشته باشند. در این میان اگر فارغ از مناسبت تقویمی، پای سوژه دیگری هم وسط باشد که بتواند به بیشتر دیده شدن پیام تبریک، موضع‌گیری یا حتی وعده‌های مدیر مجموعه کمک کند، چرا فرصت را از دست بدهد و این موقعیت را نادیده بگیرد؟ باتوجه به این توضیحات، سخنرانی عالی‌ترین مقام «هلدینگ صنایع پتروشیمی خلیج فارس» که این روزها با خبر خریداری ۸۵ درصد از سهام صدنرشن لیگ در صدر اخبار است، چندان اتفاق غیرمنتظره‌ای نبود. آنچه توجه ما را به این سخنرانی جلب کرد، محتوای سخنان جناب مدیر و خبری بود که ایشان اعلام کرد و به طرفه‌العینی تمام رسانه‌های هواداری و خبری را پیر کرد. خبر این طرز از سوی روابط عمومی شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس تنظیم شده که مدیرعامل این هلدینگ، «با تبریک روز ملی خلیج فارس»، از «تغییر نام استقلال به استقلال خلیج فارس» خبر داده است. در ادامه متن خبر هم این‌طور آمده که دکتر علی عسکری با اشاره به اینکه پسوندد خلیج فارس نقطه اشتراک تمامی شرکت‌های این گروه است، گفته «براساس همین سیاست»، در راستای



سیدشایان ابهری خبرنگار

# «فرهیختگان» گزارش می دهد جزئیات بدعهدی آمریکایی‌ها در توافق ۳ مرحله‌ای

با فتر جلوی دسترسی ایران به شش میلیارد دلار موجود در بانک‌های قطر را گرفته است. آمریکایی‌ها مدعی هستند که «یک سنت از این دارایی خرج نشده است» اما منابعی در ایران به «فرهیختگان» گفته‌اند که بخش قابل توجهی از این دارایی آزادسازی شده است.

گام دوم توافق قرار بود در نهم اکتبر ۲۰۲۳ به اجرا دربیاید اما عملیات «طوفان الاقصی» مقاومت اسلامی در ۷ اکتبر علیه صهیونیست‌ها، باعث شد تا آمریکا از اجرای گام دوم این توافق خودداری کند. واشنگتن با وجود اینکه صراحتا به عدم اطلاع ایران از این عملیات اذعان داشت اما برای عدم اجرای تعهداتش، نیازمند چنین بهانه‌ای بود. با توجه به شناخت رفتار آمریکا و بدعهدی‌های سابق، ایران آمادگی این کارشنکی را داشت و از همین روز نیز تعهدات را گام به گام تعریف کرده بود.

طرف آمریکایی تصور می‌کرد که رژیم صهیونیستی می‌تواند در ظرف یک یا دو هفته، ضمن آزادی اسرایش، مقاومت اسلامی در غزه را رها کند و پس از آن به سراغ جبهه شمالی برود و طومار حزب‌الله را هم در هم بپنجد. در چنین شرایط ایده‌آلی، دیگر توافق سابق برای آمریکا معنا نداشت و ایران باید امتیازات بیشتری به طرف غربی می‌داد. اما طولانی شدن جنگ و ناتوانی رژیم در غزه و جبهه شمالی و همچنین پاسخ سهمگین ایران در عملیات تنبیهی «وعده صادق» باعث شد تا در روزهای گذشته، طرف آمریکایی دست از پا درازتر، خواهان ارتباط مستقیم با ایران برای حل پرونده‌های دیگر شود اما ایران هر شکلی از مذاکره را منوط به اجرای گام نخست که نصفه‌ونیمه برداشته شده، کرده است. تهران به طرف غربی اعلام کرده که پس از اجرای کامل گام‌های پیشین، درباره درخواست مذاکره مستقیم در پرونده دیگر تصمیم‌گیری خواهد کرد.

مطمئنا اگر طرف آمریکایی حتی احتمال می‌داد نتیجه جنگ به این شکل رقم می‌خورد، در همان نهم اکتبر گام دوم را عملیاتی می‌کرد اما چنین نشد تا امروز علاوه بر مقاومت غزه، حزب‌الله لبنان و مقاومت عراق و ارتش یمن نیز وارد کارزار شوند و میان داری کنند. حالا طرف غربی برای نجات رژیم صهیونیستی، راهی جز میانجیگری ایران ندارد؛ چراکه اگر حتی رژیم با مقاومت غزه به آتش‌بس برسد، مشخص نیست سایر جبهه‌ها هم به نبرد پایان دهند. بر همین اساس نیز رژیم صهیونیستی و آمریکا-که در مذاکرات حضور دارد- خواهان آن شده‌اند که جزئیات توافق احتمالی بین رژیم و حماس، با ایران به اشتراک گذاشته شود و تهران این توافق را تایید کند تا آنها از پایان عملیات علیه رژیم صهیونیستی مطمئن شوند.

تحلیل روابط ایران و آمریکا برای تحلیلگران، سخت و پیچیده بوده است. گاهی در همان لحظاتی که تنش‌های لفظی دو کشور در بالاترین سطح است و آمریکایی‌ها از اعزام نیرو به منطقه سخن می‌گویند، در پس پرده گفت‌وگوهای دو جانبه در جریان است. گاهی نیز دو طرف در آخرین لحظات دستیابی به توافقند ولی در آخرین لحظه، طرف سوم وارد می‌شود و معادله تغییر می‌کند و گاهی حتی دو طرف به توافق می‌رسند اما طرف آمریکایی به بهانه یا بی‌بهانه، از توافق خارج می‌شود. بزرگ‌ترین مصداق این بدعهدی، در توافق هسته‌ای (برجام) سال ۲۰۱۵ بود. دولت سابق آمریکا با هدف فشار بر ایران برای پذیرش محدودیت‌های جدید در توافق، از برجام خارج شد اما نه خود توانست به توافقی دست پیدا کند و نه دولت فعلی آمریکا موفق به تحمیل چنین توافقی به ایران شد. با این وجود اما دو طرف در سال‌های گذشته به اشکال مختلف با یکدیگر مذاکره کرده‌اند و به توافق‌هایی نیز دست پیدا کرده‌اند. نمونه آن مذاکره بر سر آزادی جاسوسان دوتابعیتی غربی در ایران بود که شروع آن به سال ۱۴۰۰ بازمی‌گردد. در آن سال، لندن مشغول مذاکره با ایران برای آزادی دو زندانی دوتابعیتی ایرانی-انگلیسی (نازنین زارعی و انوشه آشنوری) بود. در این مذاکرات یک دیپلمات خانم انگلیسی برای آزادی جاسوسان آمریکایی در ایران مذاکره کرد و مذاکرات نیز به «یک صورتجلسه» منتهی شد اما آمریکایی‌ها همچون برجام، به دنبال گنجانیدن سایر موضوعات در توافق بودند و همین موضوع مانع از آزادی جاسوسان آمریکایی در اسفند ۱۴۰۰ شد. منابع آگاه می‌گویند که آمریکا به دنبال مذاکره مستقیم با ایران بوده اما ایران این مذاکرات را منوط به توافقی کرد که در سه گام طراحی شده بود. دو طرف در اسفند ۱۴۰۱، به توافق دست پیدا کردند. از جزئیات این توافق سه مرحله‌ای اطلاعاتی منتشر نشده اما به گفته منابع ایرانی، این پرونده به برنامه هسته‌ای ایران هیچ ارتباطی نداشته است. مرحله نخست این توافق، در شهریور سال گذشته و با تبادل چهار جاسوس دوتابعیتی در ایران با زندانیان ایرانی در آمریکا و آزادسازی شش میلیارد دلار دارایی‌های ایران در کره جنوبی به اجرا درآمد. در این مرحله قرار بود پس از تایید واریز مبلغ بیرونی شش میلیارد دلار به بانکی در قطر، جاسوسان به قطر منتقل و با زندانیان ایرانی تبادل شوند. بر پایه این مرحله، ایران به بخشی از دارایی‌های آزاد شده خود دست پیدا کرد اما در مهر ماه سال گذشته، آمریکا با کارشنکی، مانع آزادسازی بخش دیگری از این دارایی‌ها شد. روزنامه واشنگتن‌پست در گزارشی به نقل از دو منبع خبری خود نوشت که پس از عملیات «طوفان الاقصی» مقاومت اسلامی غزه علیه رژیم صهیونیستی، آمریکایی‌ها توافق